

تحلیل چگونگی بازنمایی زن در عکس‌های سحر مختاری با رویکرد فمینیستی

سارا لعل کمالیان^{1*}، پژمان دادخواه²

1- دانشجوی کارشناسی ارشد عکاسی، دانشکده هنر، مؤسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران،

Sarakamalian5529@gmail.com

2- استادیار گروه عکاسی، دانشکده هنر، مؤسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران،

p.dadkhah@eqbal.ac.ir

چکیده

وقتی صحبت از عکاسی معاصر ایران می‌شود، منظور عکاسان دهه شصت شمسی تاکنون می‌باشد. این نسل از عکاسان، تحت تأثیر جریان‌های فلسفی، اجتماعی، سیاسی و تحولات روز عکاسی جهان دست به تولید آثاری زده‌اند که علاوه بر نگاه عکاسانه، مخاطب را به تأمل و تفکر وادار نموده است. عکاسی مستند ایران را نمی‌توان وارد حوزه عکاسی معاصر ایران کرد، زیرا سنت‌های غالب، باعث می‌شود که عکاس به صورت غیرعامدانه چنین سنت‌هایی را ثبت کند. به همین منظور عکاسی انتخاب شده است که دغدغه‌های مشترک نسبت به جامعه و مسائل زنان ایران را دارد و نسبت به محیطی که عکاس در آن قرار گرفته است، منش و تفکر خود را نسبت به زن و جایگاه آن در آثار خود بازنمایی می‌کند. روش‌های پژوهش استفاده شده شامل روش توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش بر مبنای اهداف، جزو مطالعات راهبردی، بر مبنای فرآیند پژوهشی کیفی و بر مبنای نحوه گردآوری اطلاعات در بخش نظری، توصیفی و تحلیلی می‌باشد. در این مطالعه، سه روش برای جمع‌آوری داده‌ها بکار گرفته شده است. ابتدا، آثار هنرمند مورد مطالعه گردآوری و آثار تصویری مورد مطالعه نمونه‌گیری شده و بر اساس مؤلفه‌های استخراجی تحلیل می‌گردد و نهایتاً جایگاه زن بر اساس رویکرد فمینیستی بر آثار انتخابی مورد تطبیق قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: سحر مختاری، عکاسی معاصر ایران، عکاسی هنری، نقد عکس، نقد فمینیستی

1- مقدمه

وقتی صحبت از عکاسی معاصر ایران می‌کنیم منظور عکاسان دهه 60 ه.ش تاکنون است. خصوصاً عکاسان سه دهه اخیر ایران، این نسل از عکاسان تحت تأثیر جریان‌های فلسفی، اجتماعی، سیاسی و تحولات روز عکاسی جهان دست به تولید آثاری زده‌اند که علاوه بر نگاه عکاسانه مخاطب را به تأمل و تفکر وادار می‌کند. به دلیل اینکه عکاسی مستند اجتماعی را نمی‌توان وارد حوزه عکاسی معاصر ایران کرد (زیرا در جامعه کنونی سنت‌ها غالب بر جامع هستند و این باور هاست که بعضی از عکاسان را وادار به ثبت غیر عامدانه چنین سنت‌های کرده است) هنرمندان عکاس برای تولید آثارشان روی به عکاسی برساخته آورده‌اند، مخصوصاً در دهه 90 ه.ش. در این نوع از عکاسی کارگردانی شده هنرمند با نیت قبلی عناصری را در آثار خود کم یا زیاد و گاهی حذف می‌کند و باعث به وجود آمدن یک اثر هنری بدیع‌تر می‌شود که مخاطب را به تفکر بیشتر در وادار می‌کند. این عکاسان که خالق این آثار ارزشمند هستند، به جای متکی بودن به دوربین و محیط اطراف متکی به خود و ذهن خود هستند و دوربین تنها ابزاری برای ثبت ایده‌های ذهنی آنان است. در این پژوهش بعد از بیان مفاهیمی همچون: عکاسی معاصر ایران، بازنمایی، فمینیسم، تحلیل فمینیستی و بازنمایی زن به بررسی آثار سحر مختاری می‌پردازیم. در آثار این هنرمند به دنبال کشف، موجودیت، جایگاه و مفهومی از زن با رویکرد فمینیستی هستیم. به همین منظور عکاسی را انتخاب نموده‌ایم که دغدغه‌های مشترک نسبت به جامعه و مسائل زنان ایران را دارد و نسبت به محیطی که در آن قرار گرفته است، منش و تفکر خود را نسبت به زن و جایگاه آن در آثار خود بازنمایی می‌کند و از این رو از عکاسی برساخته برای درگیر کردن مخاطب با جهان ذهنی خود استفاده کرده‌اند. سوالات پژوهش حاضر عبارتند از:

1. زن در آثار سحر مختاری از منظر فمینیستی چگونه بازنمایی شده است؟

2. مؤلفه‌های فمینیستی در آثار سحر مختاری چگونه است؟

2- پیشینه پژوهش

در عکاسی معاصر ایران، زنانگی و جایگاه تمام زنان و دختران از منظر فمینیستی در عکاسی و همچنین چگونگی بازنمایی زنان در این حیطه بسیار مورد پژوهش قرار گرفته است. در ذیل به اهم پژوهش‌هایی که می‌توان آن را به نوعی مرتبط با پژوهش حاضر برشمرد، اشاره می‌شود.

علایی (1392) در مقاله‌ای با عنوان "عکاسی معاصر ایران" که تمام آن تکیه بر دستاوردهای عملی و عینی است. به موضوع مهم جایگاه جشنواره‌ها در بستر جدی عکاسی ایران می‌پردازد و از زوایای گوناگون موضوع را بررسی می‌کند.

دانای و خندقی (1401) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل جایگاه مؤلفه‌های زیباشناختی در نقد فمینیستی اثر هنری" تلاش می‌کند تا نقد را به عنوان راه حلی برای درک بهتر آثار هنری معرفی کند. در این مقاله نقد به عنوان واژه‌ای است که باعث ارتباط اثر هنری و بیننده می‌شود. این مقاله به نقد زیباشناختی و نقد فمینیستی پرداخته است؛ و پس از ارتباط آن با یکدیگر در نقد اثر هنری با ذکر این مسئله که نقد فمینیستی چه مؤلفه‌های از نقد زیباشناختی را صحیح دانسته است؛ و آن‌ها را به کار می‌برد و چه مؤلفه‌های از نقد زیباشناختی را رد شده می‌داند و آن را بازگو می‌کند.

راووداد و همکاران (1389) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل بر بازنمایی زن در نقاشی معاصر ایران" می‌کوشد به مقایسه بازنمایی تصویر زن و مرد معاصر ایران در نقاشی بپردازد.

پاکنیا (1383) در مقاله‌ای با عنوان "بازنمایی گرافیکی مضامین اجتماعی در پوستر فیلم‌های اجتماعی سینمای ایران" به چگونگی بازنمایی گرافیکی در پوستر فیلم‌ها می‌پردازد.

نوآوری که در این پژوهش حائز اهمیت است؛ بررسی آثار عکاس زن ایرانی و آثار آن از منظر فمینیستی است. که تاکنون پژوهشگران به بررسی و تحلیل آثار این عکاس زن نپرداخته‌اند.

3- مبانی نظری

3-1- سحر مختاری

با توجه به مصاحبه‌هایی که از سحر مختاری در دست است، حوزه گرایش این عکاس در زمینه‌ها خبری و مطبوعاتی است. گرایش اصلی این عکاس عکاسی خلاقه یا Fine art است. همچنین به عکاسی مستند و اجتماعی نیز علاقه‌مند است. گرایش عمده‌ی او به فتومونتاژ و کلاژ عکس است و اغلب آثارش را با این روش‌ها و با استفاده از عکس‌های از پیش موجود تولید کرده است. موضوع و محتوای بیشتر مجموعه‌های سحر مختاری درباره‌ی مفهوم زمان، تاریخ و آرشیو است.



شکل 1: تصویری از سحر مختاری (منبع: www.akkasee.com)

3-2- مفهوم لغوی و اصطلاحی فمینیسم

«این واژه با اندکی تغییر در تلفظ، در زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به یک معنا به کار می‌رود و از ریشه "Feminine" که معادل "Feminin" در فرانسوی و آلمانی می‌باشد، اخذ شده است. این کلمه به معنای زن یا جنس مؤنث است که خود از ریشه‌ی لاتینی "Femina" گرفته شده است.» (حلوانی نیاسر و ناصحی، 1395).

فمینیسم را گاه به جنبش‌های سازمان‌یافته برای احقاق حقوق زنان و گاه به نظریه‌ای که به برابری زن و مرد از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی معتقد است، معنا کرده‌اند (روتلیج، 1388).

این جنبش زودن تمام تفاوت‌های بیولوژیک و تعریف انسان و هر مقوله‌ی فرهنگی و اجتماعی برپایه جنسیت است (تقوی دهقانی، 1381).

3-3-3- انواع جنبش‌های فمینیسم

جنبش‌های فمینیستی را از زوایای مختلف می‌توان دسته‌بندی کرد. یک تقسیم‌بندی بر اساس دیدگاه‌های عقیدتی و نگرش‌های سیاسی است که به لیبرال، مارکسیست و سوسیال و پست مدرن می‌پردازند. اما تقسیم‌بندی دیگر جنبش فمینیسم از منظر جامعه‌شناسان و بر مبنای مقطع تاریخی است. از نگاه آنان، جنبش فمینیستی به سه موج تقسیم می‌شود (حلوانی نیاسر و ناصحی، 1395).

3-3-1- موج اول فمینیسم

از اواخر قرن نوزدهم شروع می‌گردد. در این موج حق برابری در کار-تحصیل و حضور فعال در عرصه سیاسی و اجتماعی معمولاً رنگ حقوقی به خود گرفته است (مشیرزاده، 1385).

این موج با به دست آوردن حق رأی در سال ۱۹۳۸ در شهر نیوزلند پایان یافت. ابتدا انگلستان و سپس آمریکا حق رأی زنان را به رسمیت شناختند. ریشه‌های موج اول را می‌توان در انقلاب صنعتی دانست در این راستا زنان را متوجه جایگاه مدنی‌شان نمود از این رو فمینیست در موج اول بیشتر جنبه حقوقی داشته است. برخی از آن‌ها از این حد نیز گذشته و معتقد بودند باید به مرور زمان از «گفتار برابری» به سمت «گفتار متفاوت» حرکت نمود (مشیرزاده، 1382).

3-3-2- موج دوم فمینیسم

زمان شروع موج دوم فمینیسم از دهه ۱۹۶۰ به رهبری سیمون دوبوار می‌باشد و با محوریت قرار داشتن شعار زنان بدون مردان خواستار برابر بودن کامل زن و مرد در همه زمینه‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی بودند (حلوانی نیاسر و ناصحی، 1395).

مهم‌ترین ویژگی موج دوم خلق و نهادینه کردن ادبیات فمینیستی، تاکید بر نقد فرهنگی و ارائه نظریه‌های فرهنگی جدید است. در موج دوم بیان شد که باید به حقوق سیاسی و قانونی مساله زنان پرداخته شود (زیبایی نژاد، 1382: 17).

3-3-3- موج سوم فمینیسم

از اواسط دهه 1970 تا 1990 غرب رویکرد دوباره‌ای به نقش‌های سنتی و نهاد خانواده داشته و از حرکت‌های تند فمینیسم موج دوم کم شد. فمینیسم‌های مدرن با ظاهری زنانه و رفتار ظریف تمایز خود را از زنان به نمایش گذاشتند. موج سوم فمینیست باعث رشد گروه‌های فمینیسم سیاه پوست گردید (حلوانی نیاسر و ناصحی، 1395).

3-3-4- موج چهارم فمینیسم (موج آرام)

موج جدید، جریان انتقادی به بی بند و باری در روابط جنسی و بی اعتنائی به تعهد و حفظ حدود در این روابط است. به خالف فمینیست‌های دهه 91 و 81 میلادی با تاکید بر آزادی جنسی، می‌گفتند حفظ پاکدامنی، مختص بازنده‌ها است و با طبیعت بشری سازگاری ندارد و وسایل پیشگیری از بارداری باید در اختیار نوجوانان باشد و سقط جنین کار درستی است و در واقع آنان با مفهوم عفاف مخالف بوده‌اند، چرا که آن را وسیله‌ای برای ستم مردانه می‌دانستند (وندی شیلت و نانسی لی، 1388).

3-3-5- گرایش‌ها و مکاتب فکری فمینیست

فمینیسم جنبش فکری یکپارچه نیست، ولی تمام گرایش‌هایی که زیر چتر گسترده‌ی فمینیسم گرد آمده‌اند هم عقیده‌اند که زنان به واسطه جنس خود با بی‌عدالتی رو به رو می‌شوند. بنابراین باید فرودستی آنان را فهمید و کمک کرد تا به حقوقشان برسند.

3-4- فمینیست‌های لیبرال -اصلاح طلب

به طور تاریخی، فمینیسم لیبرالی (که از قدیمی‌ترین گرایش‌های فمینیستی است و در تمام موج اول فمینیسم گرایش منحصراً فمینیستی محسوب می‌شود) به بحث درباره حقوق برابر برای زنان - یعنی برخوردار شدن زنان از حقوق شهروندی مردان - مربوط بوده است و استدلال آنان این است که فرد انسانی دارای ارزش است و ارزش هایش را، فردانیت او تعیین می‌کند، پس جنسیت هم نباید مقید حقوق و ارزش‌ها باشد. اگر دین و مذهب و رنگ نمی‌توانند در احقاق و تعیین حقوق انسان‌ها نقش ایفا کنند پس جنسیت هم همین‌طور است (آلیسون، 1385).

3-5- فمینیست‌های رادیکال - انقلابی

رادیکال‌های فلسفی که افکار خود را عمدتاً از فرانسه قرن نوزدهم گرفته بودند، اعتقاد داشتند که مردم به طور همسان از مادرزاده می‌شوند و اختلافاتی که در بزرگسالی میان آن‌ها به وجود می‌آید، ناشی از تربیت و محیط است (راسل، 1386).

جنسیت و تمایزات جنسی ریشه طبیعی ندارد بلکه ساخته فرهنگی است که در آن به ارزش‌های مردانه ارج می‌دهند. (آبوت و کلر، 1380). فمینیست رادیکال بر ابعاد زنان و انسان دوستی نقش داشته است. همچنین رادیکال‌ها سلطه کامل مردان نسبت به زنان را بازگو می‌کنند.

3-6- فمینیست‌های مارکسیست

در نظریه فمینیست‌های مارکسیست عامل ستم بر زنان در نظام «خانواده/خانوار» است در چهارچوب این نظریه، زنان در داخل واحد خانواده دارای جایگاه کارگری که تحت نظام نظارت جنسی و ناعادلانه است، هستند. فمینیست‌های مارکسیست برآنند که در مسیر عبور کردن از مردسالاری و استبداد، زنان می‌بایست وجدان اجتماعی و شعور و همچنین اشتراکات خاص خود را ایجاد کنند و خودشان را از قید وجدان جعلی که به وجود آورده شده توسط ایدئولوژی مردسالاری جامعه سرمایه داری است، آزاد کنند. مارکسیست‌ها برآنند که زنان به جای اینکه در راه از بین بردن امتیازات ظاهری مردان تلاش کنند باید همراه با طبقه کارگر آن‌ها در مسیر منافع دراز مدت و مشترکشان یعنی از بین بردن نظام سرمایه‌داری به مبارزه برخیزند چرا که زنان و طبقه کارگر با یکدیگر دارای پیوند طبیعی هستند و آزادی هر دوی آنها در گرو اتمام نظام سرمایه‌داری می‌باشد (الیسون، 1385).

3-7- فمینیست‌های سوسیال

جریان فکری فمینیست‌های سوسیال پس از دهه هفتاد میلادی پدید آمد. اینان تلاش می‌کردند از ترکیب فمینیسم رادیکال و مارکسیست نوعی از فمینیسم جدید را پیشنهاد کنند که بر اساس آن عامل ظلم و ستم بر علیه زنان یعنی مرد سالاری و نظام سرمایه داری به عنوان دشمنان طبقه ی زنان مورد توجه قرار گیرد (آبوت و کلا، 1380). فمینیسم سوسیال سلطه مذکر را بخشی از پایه اقتصادی جامعه می‌داند. این نظریه اقتصاد را دربرگیرنده مسائلی چون بارداری و زایمان نیز می‌داند و بنابراین محور سلطه مذکر را مستلزم تغییر شکل در کل اساس اقتصادی جامعه می‌بیند و به این ترتیب برای رسیدن به هدف نه فقط تغییر در آموزش، کار، جنسیت یا سرپرستی از کودکان بلکه تغییر شکل همه این عرصه‌ها را ضروری می‌شمرد. (الیسون، 1385)

جدول 1: مولفه‌های دارای اهمیت در رویکرد فمینیستی

داشتن حقوق برابر	فمینیسم
اهمیت نقش زن در جامعه	
مبارزه با نظام سرمایه داری	
سرکوب نظام مردسالار	
مخالفت با تشکیل خانواده	
مخالفت با تولید مثل طبیعی زنان	
اعتقاد به مردانه بودن علوم، تاریخ و ...	
مخالفت فمینیسم با محافظه‌کاران	
مبارزه فمینیسم با هرزه نگاری	

4- نتایج

4-1- روابط تعریف بازنمایی

بازنمایی به معنای استفاده از زبان برای گفتن چیزی معنادار یا برای نمایش دادن جهان معنادار به افراد دیگر تعریف می‌شود. بازنمایی بخشی اساسی از فرآیندی است که به تولید معنا و مبادله آن میان اعضای یک فرهنگ و شامل استفاده از زبان، نشانه‌ها و ایماژهایی می‌شود که به بازنمایی می‌پردازد (مهدی زاده، 1387).

بازنمایی به این معنا که چیزی نمایانگر چیزی دیگر است، از مفاهیم بنیادین فلسفه‌ی ذهن نیز هست. از نقطه نظری که فلسفه‌ی ذهن پیش پا می‌نهد، بازنمایی اساساً فرآیندی ذهنی است و بازنمایی ذهنی آنچه خارج از ذهن است، در قالب اندیشه‌ها، باورها، خواسته‌ها، ادراکات و تصورات انجام می‌شود. به بیان دیگر، چنین بازسازی‌های ذهنی‌ای همواره واجد دربارگی‌اند و درباره‌ی یا راجع به چیزهای دیگرند؛ چیزهایی که غیر از خودشان و عموماً خارجی‌اند (باستین و حجتی، 1395: 3).

4-2- آثار سحر مختاری

سحر مختاری متولد ۱۳۶۲ است و لیسانس عکاسی خود را در سال ۱۳۸۶ از دانشکده هنرهای زیبا گرفته است. او تاکنون در چندین نمایشگاه گروهی شرکت داشته و اولین نمایشگاه انفرادی‌اش، چندی پیش در گالری مهر و برپا شد.

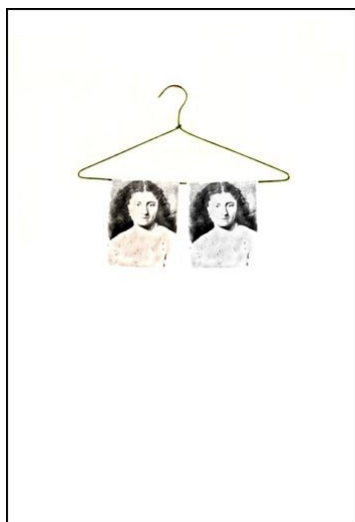


منبع :

<https://www.saharmokhtari.com/>



منبع : <https://www.saharmokhtari.com/>



منبع :

<https://www.saharmokhtari.com/>



منبع : <https://www.saharmokhtari.com/>

با توجه به مبانی نظری تحقیق و نمونه‌های معرفی شده، برخی از نمونه‌های انتخاب شده و مورد تجزیه و تحلیل از منظر خوانش فمینیستی قرار می‌گیرد.

3-4- مجموعه لایف

همه ما بخشی از حیات بی‌جان خود هستیم. صحنه‌ای مونتاژ شده که بازیگران خودش را دارد: ما به عنوان یک ابزار ناتوان در یک جعبه محدود. از آنجا که من این واقعیت را فهمیده‌ام، تنش و استرس زندگی من را تغییر داده است. در شکل 3، یک زن برش‌خورده و در پشت آن زمینه عکس دیده می‌شود. محیط عکس یک خانه است که در یک ضلع دیوار آن قاب عکس‌ها، گل و قلیون قرار دارد. در این عکس نزدیکترین عنصر بصری، جای خالی زن برش‌خورده است. که به واسطه پوشش آن که لباس بلند و پاهای باریک دارد، نشان می‌دهد که تصویر بریده شده یک زن است.

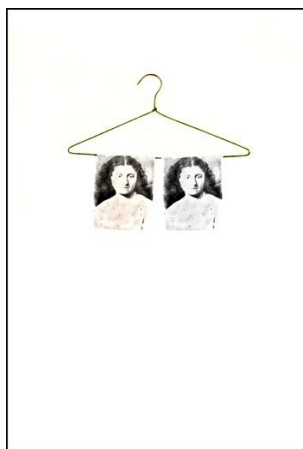


شکل 3: تصویر از مجموعه سبک زندگی سحر مختاری

به نظر می‌رسد این تصویر نشان‌دهنده این است که زن از تصاویر و تاریخ حذف شده و در واقع زن به واسطه هنجارهای عصر مربوط به عکس، نیاز نبوده که در عکس وجود داشته باشد و بریده‌شده در صورتی که اگر تصویر یک مرد بود، بدون هیچ حساسیتی باقی‌مانده بود. در واقع این نشان‌دهنده اعتقاد اکثریت مردم به مردانه بودن علوم و تاریخ و موارد از این دست است. در تاریخ نام بسیاری از مردان برجسته است و بسیاری آن‌ها را می‌شناسند اما در خصوص زنان بسیار کم‌رنگ است به صورتی که افرادی در حوزه‌های هنری فعال هستند نیز کمتر با هنرمندان زن آشنایی دارند. این عکس در واقع مردانه دانستن تاریخ را نشان می‌دهد و جایگاهی برای زن قائل نشده است. این نشان‌دهنده نگاهی ضد زن است که او را در تاریخ و در هیچ بعدی قبول ندارد.

4-4- مجموعه بودن- نبودن

سحر مختاری در خصوص این مجموعه بیان داشته است که این سریال در مورد همه چیز ما است. اما ما به همه چیزهای مردم، لباس‌ها، عکس‌ها و همه کسانی که تا زمانی که در اطراف ما هستند بی‌ارزش می‌شوند، اهمیتی نمی‌دهیم، آن‌ها تنها زمانی ارزش کامل پیدا می‌کنند که دیگر نباشند. لباس مادربزرگی که هنوز زنده است دلیلی برای ترک این عادت ناشناخته بشر است و آگاهی من نسبت به چیزهای موجود. در شکل 4، یک کادر مشکی مستطیلی دیده می‌شود که داخل آن در زمینه سفید مطلق، یک چوب رختی قرار دارد که عکس دو زن با موهای فر فری و ویژگی‌های یکسان اما رنگ‌های متمایز آویزان است.



شکل 4: تصویری از مجموعه بودن- نبودن سحر مختاری

این تصویر به نوعی ارتباط زن با وظایف خانهداری را نشان می‌دهد. چراکه تصویر زنان دقیقاً عین هم در کنار یکدیگر بر روی چوب رختی قرار گرفته و به نوعی وظایف زن و جایگاه او در عرصه خصوص را نشان می‌دهد. کادر کاملاً خالی و سفید نیز به این معنا دامن می‌زند چراکه هیچ چیز دیگری به جز وظایف خانهداری یک زن در کادر دیده نمی‌شود و این خود یک نوع مرد سالاری، دیدگاه محافظه‌کارانه و حذف زن از تمامی مسائل به جز خانهداری را نشان می‌دهد.

4-5- مجموعه چال

در شکل 5، قسمتی از یک کوچه قدیمی دیده می‌شود که بر روی دیواره ساختمان، عکس یک زن قرار دارد و یک مرد که سوار بر موتور پیک است، به آن نگاه می‌کند. در جلو این ساختمان یک ماشین پارک کرده و روکش آن کشیده شده است.



شکل 5: تصویری از مجموعه چال از سحر مختاری

قرارگیری زن در تصویر در داخل یک قاب و آویخته شدن آن در روی یک خانه و در مقابل وجود داشتن یک مرد در اجتماع و در حال انجام کار خود یک دیدگاه فمینیستی را به دنبال دارد که در آن زن تنها متعلق به خانه و خانواده است و تصویر او در کنار خانه نقش می‌بندد و جایی در اجتماع و حضور فعال در عرصه عمومی ندارد. پوشش ماشین، نشان از این است که گویا مدت زمان زیادی است که کسی از این وسیله استفاده نکرده و در جلو خانه پارک کرده است. زن در واقع بیشتر در عرصه خصوصی خانه قرار دارد و به جز رفع نیازهای خانهداری و رسیدن به آن، ارزشی در میان مردم ندارد.

5- نتیجه گیری

در تمامی تصاویر به منظور خوانش فمینیستی، محتوا و پیام اثر اولویت اول را دارد. در تمامی تصاویر محتوا به نوعی زن محور بوده و هرکدام مولفه‌های مختلفی از خوانش فمینیستی را بیان می‌کنند. در پاسخ به سوال اول پژوهش باید چنین پاسخ داد که با توجه به تحلیل‌های انجام شده در آثار سحر مختاری، در مجموعه لایف و تصویر زنی که برش داده شده تصویر زن بریده شده و به نوعی حضور او از فناوری‌های نوینی مانند عکاسی حذف گشته است و چنین مواردی امری مردانه تلقی شده است. در تصویر دیگری از سحر مختاری، دو زن بر روی چوب رختی، یک نوع حذف کردن زن از سایر مواردی به جز خانه داری است که نشان دهنده "مردسالاری" و "دیدگاه محافظه‌کاران" است. در آخرین تصویر و مربوط به مجموعه چال، قرارگیری زن بر روی دیوار خانه و قرارگیری مردی که از روبه‌رو او را نظاره می‌کند، در محیط بیرون، نوعی دیدگاه محافظه‌کاران است که در تصویر دیده می‌شود بنابراین به صورت کلی زن در آثار سحر مختاری مواردی نظیر «اعتقاد به مردانه بودن تاریخ و علوم»، «سرکوب نظام مردسالار» و «مخالفت فمینیسم با محافظه‌کاران» دیده می‌شود و زن مطابق با این مولفه‌ها بازنمایی شده است.

در آخر در پاسخ به سوال دوم پژوهش باید چنین پاسخ داد که با توجه به تصاویر تحلیل‌شده، مولفه‌های فمینیستی به این صورت در تصاویر بازنمایی شده‌اند که برای نمایش اهمیت نقش زن در جامعه اعتقاد به مردانه بودن تاریخ را در

تصویر مختاری، زنی که برش خورده است می‌توان مشاهده نمود. مخالفت فمینیسم با محافظه کاران را نیز در چوب رختی که عکس زنان آویزان است از سحر مختاری می‌توان مشاهده کرد.

منابع

- دانای، منا و جواد، امین خندقی (1401) "تحلیل جایگاه مؤلفه‌های زیباشناختی در نقد فمینیستی اثر هنری" سیویلیکا، راودراد، اعظم و همکاران (1389) "تحلیل بر بازنمایی زن در نقاشی معاصر ایران" زن در توسعه و سیاست، شماره 142-125، 28
- علایی، کیانگ (1392) "عکاسی معاصر ایران"، آستان هنر، شماره 6، 27-37.
- حلوائی نیاسر، منیره و ناصحی، محمد (1395). تاریخچه فمینیسم و مقایسه کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم، پژوهش علوم و تکنولوژی.
- روتلیج (1388). فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، مترجمان: عباس یزدانی، بهروز جندقی، قم، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان استان قم.
- تقوی دهاقانی، حسین (1381). آسیب شناسی دینی فمینیسم، بی‌جا، انتشارات موسسه فرهنگی منہاج.
- مشیر زاده، حمیرا (1385). از جنبش تا نظریه اجتماعی، تهران، انتشارات نشر پژوهش.
- زیبایی نژاد، محمد رضا (1382). فمینیسم و دانش‌های فمینیسم، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- وندی شیلت و نانسی لی (موس) (1388). دختران به عفاف روی می‌آورند، ترجمه و تلخیص: سمانه مدنی و پریسا پور علمداری، تهران، نشر معارف.
- راسل برتراندر (1386). آزادی و سازمان پژوهشی در بنیاد سوسیالیسم و لیبرالیسم.
- آبوت، پاملا و کالر، والاس (1380). جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (1387). بازنمایی رسانه‌ها، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- باستین، حامد و حجتی، محمدعلی (1395). مفهوم بازنمایی در نظریه‌ی زیست معنایی میلیکان. منطق پژوهشی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. 7(2).

Batchen, G. (1999). *Burning with desire: The conception of photography*. Mit Press.

Benovsky, J. (2011). Three kinds of realism about photographs. *The Journal of Speculative Philosophy*, 25(4), 375-395.

Bergin, V. (1982). *Thinking photography*, Macmillan, London.

<https://www.saharmokhtari.com>

www.akkasee.com